



رهبر حکیم انقلاب اسلامی صبح دیروز در آستانه پنجمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی، در دیدار خانواده سردار و جمعی از خانواده‌های «شهیدان مدافع حرم و شهیدان مقاومت»، با تبیین برخی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری حاج‌قاسم سلیمانی، گفتند: باید با درس گرفتن از این خصوصیات در مسیر هدف اصلی مکتب سلیمانی یعنی «تحقق اسلام و قرآن» حرکت کرد.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای همچنین با تأکید بر پیروزی دیر یا زود ملت سوریه بر اشغالگران و استمرار مقاومت یمن، فلسطین و لبنان، به تجلیل از شهیدان مدافع حرم پرداختند و گفتند: سلیمانی، ایران را هم حرم می‌دانست و اگر آن خون‌های پاک نبُود، امروز از حریم و حرم و هیچ یک از عتبات مقدس خبری نبود.

رهبر انقلاب حضور مشتاقانه هزاران زائر از ایران و دیگر کشورها بر مزار شهید سلیمانی را نشانه عزت خدادادی و نتیجه اخلاص او دانستند و گفتند: به فرموده قرآن، عزت فقط در دست خداس‌ت که باید این حقیقت معرفتی را درک کرد و در سبک و جهت‌گیری‌های زندگی به‌کار گرفت.

ایشان سردار سلیمانی را مبارزی بزرگ و رفیق عزیز و صمیمی خود خواندند و پیشقدمی و حضور شجاعانه، سریع و به‌موقع در میدان را از ویژگی‌های بارز سردار نامیدند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حضور حاج‌قاسم از اوایل دهه ۸۰ در میدان مبارزه با شرارت‌های آمریکا در افغانستان و عراق افزودند: هدف اصلی آمریکا از اشغال این ۲ کشور، ایران بود اما آن مرد شریف و صادق بدون ترسیدن از آهت ظاهری آمریکا وارد میدان شد و در نهایت، آن اشغالگری‌ها به شکست آمریکا و خنثی شدن آن توطئه بزرگ انجامید.

ایشان با یادآوری پرهیز سردار سلیمانی از بیان یا نگارش جزئیات نقش آفرینی بی‌بدیلش در آن حوادث گفتند: البته اطلاعات زیادی در این زمینه وجود دارد که باید به صورت اسناد ماندگار در معارف سیاسی کشور درآید و به نسل‌های بعد منتقل شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به دفاع جمع معدودی از جوانان بی‌دفاع و بی‌سلاح عراقی در حرم امیرمومنان (ع) هنگام حمله اشغالگران آمریکایی گفتند: سردار با احساس تکلیف، همان اول و به‌سرعت با آن جوانان ارتباط گرفت و آنان را نجات داد که البته مرجعیت هم در آن مساله، حرکت فوق‌العاده و بسیار مؤثری انجام داد. ایشان هدف آمریکایی‌ها از اشغال عراق را جانشینی صدام خواندند و گفتند: آمریکایی‌ها آمده بودند که بمانند اما سردار و همراهانش در یک فرآیند سخت و پیچیده و طولانی و در یک جنگ ترکیبی سیاسی، نظامی، تبلیغاتی و فرهنگی، در مسیر حاکم شدن مردم عراق بر سرنوشت خود نقش اساسی بر عهده داشتند.

رهبر انقلاب شکست توطئه آمریکایی‌ی داعش را از دیگر نتایج حضور سریع، به‌موقع و تعیین‌کننده حاج‌قاسم در میدان خواندند و گفتند: در مقابله با تروریسم تکفیری، جوانان عراقی

رهبر انقلاب در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم و مقاومت:



رهبر انقلاب با اشاره به ساخت بی‌دری بی‌پایگاه‌های آمریکایی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخشی دیگری از سخنان‌شان با اشاره به مقوله مهم دفاع از حرم که خون‌های پاکی به پای آن ریخته شده، گفتند: عدای از روی «فقدان فهم و شناخت و تحلیل درست» از مسائل، اینگونه تصور و بیان می‌کنند که با وقوع حوادث اخیر منطقه، خون‌های ریخته شده در راه دفاع از حرم، هدر رفته که این تصور و بیان آن، خطا و اشتباهی بزرگ است، چرا که اگر مبارزه شجاعانه حاج‌قاسم و مدافعان حرم نبود، امروز خبری از اعتاب مقدسه چه زینبیه و چه حتی کربلا و نجف نبود.

ایشان گفتند: در دوره‌ای، قدری در سامرا غفلت شد و تکفیری‌ها به کمک آمریکا گنبد و ضریح امامان عسکرین را ویران کردند و اگر جان بر کفی جوانان مؤمن نبود، سایر اعیان مقدسه و قبیله‌های دل مسلمانان نیز به همان سرنوشت اندوهبار دچار می‌شدند. امروز خبری از سرافراز حرم جلوی دشمن را گرفتند و به او تودهنه اهل سنت و نیز اندیشه شیعی غیر انقلابی.

رهبر انقلاب حقیقت دفاع از حرم را علاوه بر دفاع از مکانی مقدس، دفاع از صاحب آن مکان و مکتب امامان بزرگوار خواندند

حرم‌های مقدس بسیار مهم و ضروری است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: برای سردار، دفاع از عتبات عالیات، زینبیه، مرقدهای صاحبه امیرمومنان در شام و در عراق و بالاخص مسجدالاقصی، اصل مهم بود و به همین علت شهید هنیه در مراسم تشییع سردار، او را «شهید قدس» نامید. رهبر انقلاب خصوصیت بسیار مهم دیگر شهید سلیمانی را تحلیل مسائل کشور با دیدگاه جهانی و پرهیز از نگاه بسته و محدود به مسائل خواندند و گفتند: او معتقد بود که هر حادثه مهم منطقه‌ای و جهانی در مسائل کشور ما نیز تأثیر‌گذار است و ما باید در مقابلش، خطر را از بیرون از مرزها تشخیص می‌داد و برای پیشگیری و علاج آن اقدام می‌کرد.

ایشان ویژگی‌ها و خصوصیات ممتاز شهید سلیمانی را در قالب «مکتب سلیمانی»، قابل بررسی دانستند و افزودند: این مکتب، همان مکتب اسلام و قرآن است که شهید سلیمانی با پایبندی به آن، تبدیل به «شخص، مرکز و محور» شد و ما نیز اگر همان ایمان و عمل صالح را داشته باشیم، می‌توانیم تبدیل به سلیمانی و مشمول لطف الهی شویم.

به معنای حقیقی کلمه درخشیدن اما در خنثی شدن آن توطئه که حیات و ممات منطقه به آن وابسته بود، سلیمانی با ابتکار عمل، شهامت، جان بر کفی و قدرت، نقشی بی‌نظیر ایفا کرد. ایشان راهبرد همیشگی سردار در فعالیت‌های جهادی سلیمانی این بود که از ظرفیت‌ها و جوانان آماده به کار و نیروهای میهنی سوریه، لبنان و عراق برای احیای مقاومت، به بهترین وجه استفاده می‌کرد.

رهبر انقلاب با اشاره به فتوای مرجعیت درباره لزوم ایستادگی در مقابل داعش گفتند: هزاران جوان با آن فتوای مهم به میدان آمدند اما سازماندهی و سلاح نداشتند که سردار با کمک مجاهدان بزرگ عراقی بویژه شهید ایومهدی که انسان بسیار بزرگ و باارزشی بود، آن جوانان را سازماندهی کرد و سلاح و آموزش داد.

ایشان دفاع از حریم‌های مقدس را اصل ثابت همه دوران جهاد و مبارزه حاج‌قاسم برشمردند و گفتند: سردار از ایران هم به عنوان حرم دفاع می‌کرد که این منطق دفاع از حریم‌ها و

## از آریوبرزن تا قاسم سلیمانی؛ سرداران وطن

آریوبرزن یا سورنا تشکیک داشته و همه ایرانیان نسبت به آنها وحدت داشته‌اند.

۴- **افتخار سربازی وطن**

در کتاب‌نامه همه سرداران ایرانی، افتخار بزرگی به نام سربازی وطن وجود داشته است. هم آریو که با لشکربان اسکندر جنگید، هم سورنا که با رومی‌ها جنگید، هم رئیسعلی دلواری، هم ستار خان و هم باقرخان، همگی خود را نه سردار، بلکه پاسدار و سرباز وطن می‌نامیدند و در مبارزه با دشمن خارجی، با سپاهیان اندک خود جنگیده بودند. برای مثال دربار ه سردار سلطان جلال‌الدین خوارزمشاهی نقل شده است که «مردانه با اندک سپاه در برابر چنگیز ایستاد و حمله برد و آن جمع را به هر سوی بتاخت، چنگیز روی شکست بدید پشت نموده بگریخت». این روحیه سربازی، عامل اصلی وفاداری بسیاری از سربازان این سرداران نسبت به آنها و اهداف جنگ شده بود. این ویژگی بارز در سیهبد سلیمانی نیز وجود داشت، ایشان با سربازان همچون دوست و رفیق رفتار می‌کرد، بسیاری از ویدئوهایی که از رفتار ایشان با سربازان منتشر می‌شود، نشان می‌دهد هیچ تمایزی وجود ندارد و به همین دلیل است که سربازان در وفاداری کامل نسبت به اهداف ایشان رفتار می‌کنند.

۵- **شهادت بر اثر نیرنگ و شبیخون دشمن**

ویژگی دیگر سرداران ایرانی این بوده که همگی بر اثر نیرنگ و شبیخون دشمن خارجی به شهادت رسیده‌اند. از آریو با شبیخون سپاه اسکندر، تا رئیسعلی دلواری و تا سیهبد سلیمانی همگی در برابر شبیخون دشمن خارجی به شهادت رسیدند. این سرداران ایرانی در نبرد با خارجی‌ها، هیچ گاه از اصول و مرام خود کوتاه نیامده و در نبرد مستقیم صحنه نبرد را ترک نکرده و ناامید نشدند.

۶- **نیوغ نظامی**

سرداران ایرانی که یبازند شده‌اند، همگی از نیوغ نظامی فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده‌اند. مشهور است که سورنا از توانمندی فوق‌العاده‌ای برای تخمین رفتار رومی‌ها برخوردار بود و تبدیل به شبچی برای سپاهیان کراسوس شده بود. این توانمندی این امکان را به او داده بود که توان پیش‌بینی اقدامات دشمنان را داشته باشد. همچنین تسلط سرداران ایرانی به سپاه و چیشن سپاه در جبهه‌های مختلف از جمله این توانمندی‌ها بوده است. سیهبد سلیمانی نیز مسلط به دانش رزم بود. سلیمانی «برای کسب این دانش و مهارت دقیق و حساس، به گونه‌ای کاربردی و نه صرفاً نظری، در میدان نبرد، حضوری مستمر داشت و آرام‌آرام با زوایای مختلف و پیچیدگی‌های فراوان آن آشنا شد. او، دست‌کم، ۳ میدان عمده رزم را آزموده بود: میدان دفاع‌مقدس، میدان مبارزه با آشور و مسلح و سرانجام میدان مبارزه در عرصه فرامرزی و منطقه‌ای در عراق و سوریه (در مقابل جریان داعش با همه پشتیبانی‌هایی که از سوی قدرت‌های خارجی انجام می‌شد) و نیز در هر نقطه دیگری از منطقه که حضور او ضرورت می‌یافت. نتیجه این تجربیات به همراه هوش، ذکاوت و دانش رزم، نیوغ فوق‌العاده‌ای را در سردار سلیمانی به وجود آورده بود.

۷- **تسلط نسبت به سیاست عملی**

یکی دیگر از ویژگی‌های سرداران ایرانی تسلط و بینش عمیق نسبت به معادلات سیاسی داخلی بود. شاخص مهم در ارزیابی این بینش را در حضور به‌موقع، رفتار و واکنش به‌موقع، موقعیت‌شناسی، رفتارشناسی و بودن در آنجایی که باید بود نبودن در جایی که نباید، می‌توان خلاصه کرد. عدم مداخله در امور سیاست به معنای ادانی آن یا سیاست کثیف و برآمده از زد و بند ارباب قدرت و ذکاوت در سیاست به معنای اغای آن یعنی مصالح و منافع ملی، در همه این سرداران وجود داشت. زمان‌شناسی آریو برای پاسداری از پرسپولیس (پارسه) را در زمانی که آریو بخوبی نسبت به توان اسکندر و سپاهش آگاهی داشت باید در همین جایگاه تعبیر کرد. این در سورنا، رئیسعلی و سلیمانی نیز وجود داشت. همین سبب مرضی‌الطرفین شدن این سرداران بوده است. سردار سلیمانی همان‌قدر که در بین اصولگرایان نامدار است، در بین اصلاح‌طلبان نیز شهرة است. علاوه بر این، بعد دیپلماتیک شخصیت سردار سلیمانی را نیز باید اضافه کرد. در مواقعی که در یک وضعیتی بن بست شکل می‌گرفت، ورود سردار سلیمانی کاتل جدیدی ایجاد و بحران سیاسی را روزه‌نگشایی می‌کرد. در ماجرای کودتای ترکیه که بیم سقوط دولت اردوغان وجود داشت، بی‌شک نقش تعیین‌کننده سردار سلیمانی در عدم تشدید ناامنی در همسایه شمال غربی، تأثیر گذار بود.



**عبدالله بیننده**

خبرنگار

شهید قاسم سلیمانی به مثابه یک «تماد» دست‌کم نیرویی است با ۴ دسته ویژگی که حاصل جمع این ویژگی‌ها، شخصیتی ویژه و تا حدودی استثنایی از وی ساخته بود که لایه‌های مختلف جامعه با وی ارتباطی وجودی برقرار می‌کردند: نظامی، ایدئولوژیک، اجتماعی و دیپلمات. او پیش و بیش از هر چیزی در سطح داخلی و بین‌المللی به عنوان یک ژنرال نظامی شناخته می‌شد که بالاترین درجه نظامی‌گری را نیز دریافت کرده بود و اساسا برجسته شدن او در دهه‌های اخیر ابتدائا ناشی از عملکرد نظامی وی ابتدا در جنگ تحمیلی و فرماندهی سپاه کرمان و سپس در نیروی قدس بود. او نظامی بود اما نه با استانداردهای یک نیروی نظامی کلاسیک آنگونه که ارتش‌های مدرن شناخته می‌شوند؛ از یک سو نیروی نظامی خروجی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های نظامی نبود و از سوی دیگر مشیی فرماندهی او از حیث روش فرماندهی و پیوند وجودی که میان وی و نیروهای تحت امرش وجود داشت، او را از جایگاه «مدیریتی» به عنوان فرمانده یگان نظامی فراتر می‌برد و به حیث «رهبری» به عنوان فرماندهی که بر افکار و قلوب نیروهای تحت امرش نفوذ داشت، ارتقا می‌داد. همین وجه رهبری، فراتر از جایگاه فرماندهی نظامی، از این تمایز با اندیشه اهل سنت و نیز اندیشه شیعی غیر انقلابی.

شهید سلیمانی، حامل برجسته ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود؛ مهم‌ترین ویژگی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی که وجه تمایز آن با دیگر انقلاب‌ها و جریان‌ات اسلام‌گرا و غیر اسلام‌گرا در یک قرن اخیر در سطح جهانی بوده است؛ منبعث بودن از خوانشی انقلابی از اندیشه شیعه در تمایز با اندیشه اهل سنت و نیز اندیشه شیعی غیر انقلابی. در اینجا در تناسب با فرمایشات و رویکردهای سردار سلیمانی قصد برجسته کردن یک بعد از این سویه ایدئولوژیک را دارم؛ فلسفه تاریخ تشیع. سردار سلیمانی آنجا که با لباسی نظامی برای حضرت زهر(اس) روضه می‌خواند و در عین حال تلاش داشت حضرت را به عنوان گره‌گشای مشکلات در سختی‌های جنگ معرفی کند، در حقیقت در حال برجسته کردن یک ویژگی مهم در فلسفه تاریخ تشیع بود – و حتی از جهتی می‌توان مدعی شد نقطه بنیادین تفاوت و تمایز میان اندیشه شیعه با اهل سنت بویژه جریانات سلفی – تکفیری که فلسفه وجودی‌شان مقابله با این اندیشه است – و این ویژگی، نقش «معصوم» و «امام» در جریان تاریخ است. در این فلسفه تاریخ، معصوم و امام، تنها باورهای نظری یا ایمانی بی‌ارتباط با زندگی روزمره و تحولات تاریخی نیستند، بلکه با ارتباط وجودی با انسان معصوم و امام می‌توان آنها را وارد فرایند تاریخ و زندگی روزمره کرد و گره‌گشایی در موقع مشکلات، یک سویه برجسته از این باور است. اساسا فلسفه زیارت و واسطه کردن امام و معصوم در تفکر شیعه همین است. سلیمانی، به عنوان یک نظامی ایدئولوگ، در حال برجسته کردن این رویکرد بود. همین رویکرد هم وی را در برجسته‌ترین نیروی نظامی در برابر تفکر و جریانات سلفی- تکفیری در تمام منطقه کرد. دستگاه اندیشه‌ای و عملی سلیمانی نیز تماما منشعب از ایدئولوژی انقلاب اسلامی و همراستا با دستگاه اندیشه‌ای رهبران انقلاب بوده است.

علاوه بر ۲ سویه نظامی‌گری و ایدئولوژیک که از سلیمانی، فرماندهی چپ و راسته با جایگاه رهبری ساخته بود، سویه اجتماعی او مهم‌ترین رکن پیوندش با جامعه و آن تشییع باشکوه و نیز عرض ارادت‌های پس از آن در لایه‌های مختلف جامعه بود. برای بخشی از جامعه، او قهرمان و پهلوانی از سنخ رستم و آرش در افسانه‌های ایرانی بود، برای بخشی حامل اندیشه انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای بود، برای بخشی

و گفتند: در فرهنگ قرآنی هر خونی که هر جا در راه حق و خدا ریخته شود حتی اگر پیروزی حاصل نشود، هدر نمی‌رود و نزد پروردگار بارزش است؛ همچنان که خون جناب حمزه در جنگ احد و بالاتر از همه خون حضرت سیدالشهدا(ع) در کربلا هدر نرفت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: البته پیروزی هم قطعی است و نباید به این جوله و تحرک کنونی باطل نگاه کرد، چرا که اینجا که امروز جولان می‌دهند روزی زیر پای مؤمنین لگدمال خواهند شد.

رهبر انقلاب حوادث سال‌های اخیر و فعالیت‌های نمایان شهید سلیمانی و یاران او از جمله حرکت دفاع از حرم را نشانه سرزندگی، طراوت و ثمربخشی شجره طویه انقلاب خواندند و گفتند: همچنان که در دهه ۶۰، جوانان برای جلب رضایت والدین و رفتن به جبهه‌های جنگ به پای آنها می‌افتادند، در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ نیز جوانانی همچون شهید حبیبی پای مادر را برای کسب اجازه جهاد می‌بوسیدند که اینجا نشان می‌دهد جمهوری اسلامی بعد از ۴۶ سال همچنان زنده است.

ایشان با اشاره به آمادگی میلیون‌ها جوان ایرانی برای فدا کردن جان خود در راه دفاع از اسلام گفتند: مدافعان حرم نشان دادند که با وجود سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های سنگین بدخواهان، پرچم مقاومت همچنان در اهتزاز است و دشمن نتوانسته و نخواهد توانست پرچم مقاومت را در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و ایران پایین بکشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظ عوامل اقتدار را برای استمرار ایستادگی و اقتدار ملی هر کشوری ضروری دانستند و گفتند: مجموعه جوانان مؤمن و آماده فداکاری، مهم‌ترین عوامل ثبات و اقتدار یک کشورند و نباید چنین جوانانی را از صحنه خارج کرد. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: البته در کشور ما این موضوع تا حد زیادی مورد توجه است اما کشور‌های دیگر هم باید به آن توجه کنند، چراکه با خروج جوانان مؤمن و فداکار از عرصه، وضعیتی مشابه سوریه و هرج‌ومرج و اشغال خاک آن در حمله بیگانگانی همچون آمریکا، رژیم صهیونیستی و بعضی کشورهای متعرض دیگر، ایجاد خواهد شد.

ایشان استمرار حضور اشغالگران متجاوز در سوریه را ناممکن دانستند و گفتند: سوریه متعلق به مردم سوریه است و متعرضان به خاک سوریه، بدون تردید روزی در مقابل قدرت جوانان غیور سوری مجبور به عقب‌نشینی خواهند شد.

رهبر انقلاب با اشاره به ساخت بی‌دری بی‌پایگاه‌های آمریکایی در سوریه گفتند: متجاوز باید از خاک متعلق به یک ملت خارج شود، اگر نه او را اخراج می‌کنند؛ بنابراین پایگاه‌های آمریکایی هم حتماً در زیر لگد جوانان سوری پایمال خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه پیروزی نهایی از آن مؤمنان است، گفتند: لبنان نماد مقاومت است و اگر چه زخم خورده اما خم نشده و در نهایت پیروز خواهد شد. همچنان که یمن نیز نماد مقاومت است و پیروز خواهد بود و آن‌شاه‌الله دشمنان متجاوز و در رأس آنها آمریکای طماع و جنایتکار مجبور خواهند شد دست از سر مردم منطقه بردارند و با ذلت از منطقه خارج شوند.

رهبر انقلاب همچنین در ابتدای بیانات‌شان، ماه رجب را ماه دعا، عبادت و توسل الی‌الله خواندند و با اشاره به ادعیه سرشار از مضامین و مفاهیم بلند الهی این ماه افزودند: باید از فرصت رجب برای اتصال دل‌ها، جان‌ها و نیت‌ها به دریای بیکران رحمت الهی استفاده کرد و از خاوند، همت، توان و توفیق بندگی خواست. در این دیدار، خانواده سردار سلیمانی، جمعی از خانواده‌های شهیدای مدافع حرم، خانواده شهدای حادثه تروریستی گلزار شهدای کرمان در سال گذشته، خانواده شهدای مراسم تشییع پیکر حاج‌قاسم سلیمانی در سال ۹۸ و شماری از خانواده‌های مجروحان و شهدای حوادث اخیر لبنان حضور داشتند.

## قاسم سلیمانی؛ حامل فلسفه تاریخ تشیع

خدمات اجتماعی وی خاصه در کرمان و شرق کشور برجسته بود و برای بخشی مدافع بودن از وی شخصیتی قابل احترام ساخته بود. قاسم سلیمانی، برآمد از روستایی محروم و فقیر در جنوب کرمان، برخلاف بسیاری از نیروهای نظامی و سیاسی که در زمان فرماندهی و ریاست، پیوندهای خود را با لایه‌های مختلف جامعه می‌گسندت، تا روز آخر این پیوند را از دست نداد. انجام فعالیت‌های اجتماعی مانند کارهای خیریه، بردن امکانات به مناطق محروم و استفاده کردن از امکانات سپاه برای این مناطق خاصه در حوزه راهسازی و بهداشت و آموزش، سبیه برای امنیت مناطق ناامن کرمان و سیستان‌و بلوچستان، نیز ارتباطات شخصی و رفاقتی ابتدا با نیروهای نظامی تحت امرش و سپس از طریق ارتباط خانوادگی و حضور در منزل بسیاری از مردم بویژه در مناطق محروم، از وی نیرویی اجتماعی، فراتر از دستورالعمل‌های نظامی ساخته بود و دلیل محبوبیت او برای بخش‌های زیادی از جامعه را باید در همین سویه جست.

با توجه به مأموریت‌های دهه‌های آخر عمر ناسوتی‌اش، سویه دیگری از شخصیت او برجسته می‌شود و آن وجه دیپلماتیک است. قاسم سلیمانی البته دیپلماتی از سنخ و تیپ دیپلمات‌های دستگاه‌های رسمی دیپلماتیک نبود، هرچند در دیدارهای رسمی با مقامات رسمی سایر کشورها، سویه‌های این رگه را حفظ و رعایت می‌کرد. سلیمانی از یک سو در بسیاری مواقع خاصه در شرایط بحرانی، به مثابه دیپلماتی مورد تأیید کلیت نظام، با سران کشورها در منطقه بویژه در سطوح نظامی و امنیتی مراوده داشت و از سوی دیگر، وجه اصلی دیپلماتیک سردار را می‌توان ایجاد با تقویت مجموعه‌ای از نیروهای منطقه‌ای دانست که اکنون «محور مقاومت» شناخته می‌شوند. شناسایی، سازماندهی و برقراری پیوند میان این گروه‌ها در کشور‌های مختلف البته کار ساده‌ای نبود و نیست و سلیمانی توانست چنین کار سترگی را انجام دهد. حضور نظامی آمریکا در منطقه در دوره پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی و سپس تشکیل گروه‌های سلفی – تکفیری البته سرعت به هم پیوستن این نیروها را تسریع کرد، وجه سوم دیپلماتیک سردار نیز دیپلماسی عمومی منطقه‌ای بود.

مجموعه ۴ دسته ویژگی نظامی، ایدئولوژیک، اجتماعی و دیپلماتیک، از شهید سلیمانی شخصیتی استثنایی ساخت که از حیث تمثیلی می‌توان گفت شبیه «دبوان حافظ» است که هر کس بر اساس سلوک شخصی او به عیان مشاهده کرد و تجلی آن را در این تعبیر از او دید که می‌گفت: «تا کسی شهید نبود، شهید نمی‌شود. شرط شهید شدن، شهید بودن است.» بدون داشتن دیدی عرفانی، نه این جمله از کسی جاری می‌شود و نه امکان فهم آن وجود دارد.

حاصل جمع این ۴ دسته ویژگی و البته ویژگی عرفانی که اشاره شد، سلیمانی را نیروهای مانند او در جمله یار همراه او ابومهدی را از تمام نیروهای مبارز در منطقه، اعم از نیروهای ملی‌گرا مانند جمال عبدالناصر، یاسر عرفات و امثال آنها، اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین، القاعده، طالبان و حتی بسیاری گروه‌های مبارز شیعه در منطقه، جریانات چپ و مارکسیست-سوسیالیست، جریانات قوم‌گرا و نژادپسند، تمایز می‌کند. به لحاظ اندیشه‌ای، «غیریت» اندیشه و جریان مقاومت همه جریانات مذکور بوده و است و البته غیریت اصلی آنها نیز نیروهای سلطه‌گر و اشغالگر، یعنی آمریکا و اسرائیل هستند. جای بسط این مختصر در این مقال و مجال نمی‌گنجد.



**رضا رحمتی**

خبرنگار

ایران بر خلاف بسیاری از کشورها، بویژه کشور‌های نوظهور در مناسبات بین‌المللی، همیشه یک مفهوم در امتداد تاریخ بوده است. من زیباترین تعبیر از ایران را تعبیر سیدجواد طباطبایی می‌دانم، آنجا که معتقد است «از زمانی که در اروپا مفهوم دولت در معنای جدید درست شد، شروع کردند به توضیح اینکه دولت در کج‌ها بوده و به طور تاریخی ظاهر شده است. ایرانیان نخستین دولت را درست کرده‌اند. از نظر هگل چین و هند به این معنا دولت نبوده‌اند، هگل، می‌گوید دولت یعنی دولت جدید که ما در اروپا می‌فهمیم، نطفه‌اش در ایران بسته شده است.» این ایران با این مختصاتش، برخلاف همه‌سایگان ترک و عریش جعل تاریخ با نتیجه زد و بند و تجزیه سیستم‌های خلافتی پیشین هم نبوده. این ایران، همیشه «ایران» بوده و داشتن حماسه‌هایی شبیه شاهنامه نیز مؤید همین وضعیت ایران‌بودگی است. به سبب ماهیت چنین ایرانی همیشه حس وفاداری نسبت به «وطن»، «خاک»، «فاموس مردم»، «هام میهن» و.. در آن وجود داشته و کسانی که شجاعانه برای آن جان فدا کنند، برخلاف کشور‌های جعلی و زد و بندی اطراف ایران که «تعلق به وطن» یک مزاح محسوب می‌شود. از آریوبرزن هخامنشی، سورنای اشکانی، رئیسعلی دلواری تا ستارخان و باقرخان، همه و همه به سب «تعلق به وطن» جنگیده‌اند.

■ **سردار قاسم سلیمانی در امتداد آریوبرزن هخامنشی**

سردار قاسم سلیمانی در دوره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در برابر بعثی‌های عراقی ایستاد و در ادامه نیز نام او با مبارزه با تروریست‌های افراط‌گرا پیوند خورده بود. کسی که منطقه خاورمیانه را از شر تروریست‌های چندملیتی نجات داد و تبدیل به شبچی برای همه کشور‌های شده بود که از شرارت در مناطق اطراف ایران منتفع بودند و به دنبال سرنگونی دولت‌های بی‌رق ملی موجود در منطقه بودند.

■ **از محبوبیت سردار قاسم سلیمانی شبیه سرداران بزرگ ایرانی**

۱- **نبرد تا پای جان برای ایران**

راز محبوبیت سردار سلیمانی شبیه راز محبوبیت آریوبرزن هخامنشی است. آریوبرزن تا جایی که می‌توانست برای پاسداری از ایران در برابر اسکندر را شمار اندک سربازانش) دفاع کرد و جنگ او با سربازان اسکندر که به پرسپولیس رسیده بودند، آنجایی تمام شد که آخرین سرباز آریو شهید شده بود و دیگر سربازان نمانده بود تا بجنگند. سردار سلیمانی نیز در اوج ناامیدی دوستان و دشمنان ایران هم در جنگ عراق علیه ایران و هم در شیوع تروریسم منطقه، تا جایی که جان در بدن داشت در حال چیشن نظم مورد نظر ایران در منطقه بود.

۲- **ذکاوت و نقشه‌های جنگی**

راز دیگر محبوبیت سردار سلیمانی را باید در هوشمندی او جست، شبیه سرداران بزرگ ایرانی همچون آریوبرزن و سورنا مه‌ار کردن تروریست‌هایی که تا ۴۰ کیلومتری مرز ایران آمده بودند و بیم این وجود داشت تا به مرزهای غربی ایران نزدیک شوند، استفاده از ترندهای نظامی و جنگ او با سربازان اسکندر که به پرسپولیس رسیده بودند، آنجایی تمام شد که آخرین سرباز آریو شهید شده بود و دیگر سربازان نمانده بودند تا بجنگند. سردار سلیمانی نیز در اوج ناامیدی دوستان و دشمنان ایران هم در جنگ عراق علیه ایران و هم در شیوع تروریسم منطقه، تا جایی که جان در بدن داشت در حال چیشن نظم مورد نظر ایران در منطقه بود.

۳- **دشمن خارجی**

موضوع دیگر که در تمام سرداران نامدار ایرانی مشهود است، مبارزه با دشمن خارجی و تلاش برای وحدت داخلی بوده است. هم آریو، هم سورنا و هم رئیسعلی دلواری، همگی نسبت به دشمن خارجی با هوشمندی و با تمام توان می‌جنگیدند و در محیط داخلی با مهدلی رفتار می‌کردند، به همین دلیل است در سطح ملی با محبوبیت بسیار زیادی مواجه هستند. تشییع پیکر سردار سلیمانی نمادی از وحدت ملی درباره ایشان بوده است. از ایشان حملات نالی درباره افراد مختلف و گروه‌های سیاسی مختلف در عرصه کشور باقی مانده است که هر از گاهی مورد استفاده گروه‌های مختلف سیاسی قرار می‌گیرد، به نحوی که سردار سلیمانی را تبدیل به شخصیتی مورد توافق تمام گروه‌ها یا اطراف سیاسی داخل کشور کرده است. این وضعیت درباره سرداران بزرگ ایران نیز وجود داشته است؛ کمتر کسی نسبت به شخصیت سیاسی